

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه تهران  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

آراء عمومی از دیدگاه امام خمینی

(حقوق اساسی) ۱۳۸۳ / ۱۶ / ۲۰۱

استاد راهنما:

جناب آقای آیت الله عباسعلی عمید زنجانی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر عباسعلی کدخدائی

نگارش:

محمود غیاثی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در

رشته حقوق عمومی

۷۲۳۵۸

پاییز ۱۳۸۲

مرکز اطلاع رسانی و اسناد  
کتابخانه مرکزی  
تهران

## تقدیر و تشکر

در اینجا بر خود فرض می‌دانم تا از ارشادات و راهنماییهای دلسوزانه و سعه صدر استاد فرزانه حضرت آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی استاد محترم راهنما که در تهیه و تنظیم این رساله مرا یاری نموده‌اند نهایت تشکر و سپاس خویش را اعلام دارم همچنین از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر کدخدایی استاد محترم مشاور که به جهت مساعدت و راهنمایی‌های ارزنده خودشان اینجانب را در دوره کارشناسی ارشد و نیز در تدوین این پایان‌نامه همراهی نموده‌اند کمال امتنان و قدردانی خویش را اعلام نمایم و برای آنها مزید توفیقات الهی را از درگاه ایزد منان مسألت دارم.



# بسم الله الرحمن الرحيم

دب قطره آبادی برای دانشکده، یک دریا آبادی برای کشور می‌آورد،

«شناسنامه رساله‌های مکتوبی» / «شناسنامه اسنادی»

(به منظور معرفی در رسانه‌های مکانی)

- |                   |               |              |
|-------------------|---------------|--------------|
| دانشکده :         | گروه :        | تاریخ دفاع : |
| ۱- عنوان :        | تلفن :        | نشانی :      |
| ۲- دانشجو :       | تلفن مستقیم : | ساعات تماس : |
| ۳- استاد راهنما : |               | نشانی :      |

۴- چکیده (به گونه‌ای ساده و روان که مورد توجه محققان قرار گیرد):

برای آشنایی با ابعاد آرای عمومی در هر نظام سیاسی، باید مبانی مکتبی و فلسفی آن نظام را مورد بررسی قرار داد با توجه به این که نظام حاکم در ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی گرفته از اندیشه‌ای حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد لذا در این رساله به منظور پاسخ به این سوال که آرای عمومی از دیدگاه امام در تصمیم‌سازیها از چه جایگاهی برخوردار است در فصل اول به بررسی مطالبی چون: - تعریف آرای عمومی و نیز بیعت و شورا به عنوان دو نماد اسلامی که از پدید بسیاری از صاحب‌نظران از مصادیق آرای عمومی محسوب می‌شوند.

- بررسی تاریخچه آرای عمومی در تمدنهای پیشین شرقی، غربی، تمدن غرب در عصر جدید و ذکر مبانی دموکراسی غرب به عنوان بستر بروز آرای عمومی و حدود و ثغور آن.

- تاریخچه آرای عمومی در اسلام و جایگاه آن از دیدگاه عالمان و اندیشمندان شیعه و سنی.  
و در فصل دوم نیز با مطالعه و بررسی آثار مکتوب و بیانات امام در این زمینه، نقش و جایگاه آرای عمومی در سه حوزه قانونگذاری، گزینش زمامداران و نیز تعیین نظام سیاسی از دیدگاه امام خمینی پرداخته شده است.  
نتیجه آن که:

به لحاظ حقوقی از دیدگاه امام کلیه امور کشور در هر سه حوزه یاد شده از طریق انتخابات و به وسیله آرای عمومی اداره خواهد شد ولیکن با توجه به اینکه مردم مسلمانند و با رای به جمهوری اسلامی حاکمیت اسلام را پذیرفته‌اند لذا رای عمومی در چهارچوب شریعت اسلامی مشروط بر اینکه رای ولی امر منصوب من الله را به عنوان راس هرم نظام اسلامی را به همراه خود داشته باشد محترم و کارساز خواهد بود.

امضاء: استاد راهنما

لطفاً چکیده خود را به این آدرس ارسال فرمایید.

«روابط عمومی دانشگاه تهران - واحد مطالعات و انتشارات»

تلفن: ۶۴۰۵۰۴۷-۶۱۱۲۹۳۳

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
خلاصه	۱
مقدمه	۳

### فصل اول

کلیات	۸
مبحث اول - مفاهیم	۹
گفتار یکم - مفهوم واژه‌ها و اصطلاحات حقوقی متداول	۱۰
۱- مفهوم آرای عمومی	۱۰
۱-۱- مفهوم رأی	۱۰
۲-۱- مفهوم عمومی	۱۱
۳-۱- تفاوت آراء عمومی و افکار عمومی	۱۳
۲- مفهوم همه‌پرسی	۱۴
۳- مفهوم جمهوری	۱۵

### «الف»

۴- مفهوم حق و منشأ آن.....	۱۶
۵- مفهوم حقوق اساسی .....	۱۸
گفتار دوم - مفهوم واژه‌ها و اصطلاحات حقوق اسلامی.....	۲۰
۱- بیعت .....	۲۰
۲- شورا.....	۲۳
مبحث دوم - تاریخچه آرای عمومی و مشارکت سیاسی .....	۲۵
گفتار اول - تاریخچه آرای عمومی در تمدن‌های شرقی .....	۲۶
۱- کشور مصر .....	۲۶
۲- ایران باستان .....	۲۶
۳- هندوچین .....	۲۷
گفتار دوم - آرای عمومی و مشارکت سیاسی در غرب.....	۲۸
۱- یونان باستان .....	۲۸
۲- رم باستان .....	۲۸
۳- دوره رنسانس به بعد .....	۳۰
۴- مبانی دموکراسی غربی.....	۳۳
گفتار سوم - آراء عمومی در اسلام.....	۳۷
۱- آرای عمومی و حاکمیت الهی.....	۳۷
۲- آرای عمومی در قانون‌گذاری.....	۳۹
۱-۲- آرای عمومی در تدوین انواع احکام و مقررات اسلامی .....	۴۱
۲-۲- بررسی تطبیقی آرای عمومی در قانون‌گذاری .....	۴۳
۳- آرای عمومی در گزینش زمامداران.....	۴۴

## فصل دوم

آرای عمومی از دیدگاه امام..... ۵۶

مبحث اول: امام و آرای عمومی در قانونگذاری ..... ۵۷

گفتار اول: آرای عمومی هیچ نقشی در قانونگذاری ندارد ..... ۵۸

گفتار دوم: آرای عمومی در قانونگذاری دارای نقش می باشند. .... ۶۲

۱- آرای عمومی در تدوین قانون اساسی ..... ۶۲

۲- جایگاه آرای عمومی در تدوین قوانین عادی..... ۶۸

۱-۲- آرای عمومی در تشکیل قوه مقننه ..... ۶۸

۲-۲- صلاحیتها و شأن مجلس شورا ..... ۷۳

۲-۳- تدوین شریعت ..... ۷۵

۳- امام و آرای عمومی در تدوین مقررات شوراهای محلی ..... ۸۳

گفتار سوم: بحث تطبیقی ..... ۸۸

مبحث دوم - امام و آرای عمومی در گزینش زمامداران ..... ۹۲

گفتار اول - امام و آرای عمومی در گزینش ولی امر..... ۹۴

۱- آرای عمومی هیچ نقشی در گزینش ولی امر ندارد ..... ۹۵

۲- ولی فقیه بوسیله آرای عمومی انتخاب می شود ..... ۱۰۱

۳ - ولی فقیه از بین فقهای منصوب انتخاب می شود..... ۱۰۴

گفتار دوم: امام و آرای عمومی در گزینش مسئولین قوا ..... ۱۰۹

۱- آرای عمومی و نمایندگان مجلس ..... ۱۱۰

۲- آرای عمومی و قوه مجریه..... ۱۱۲

۲-۱- آرای عمومی و رئیس جمهور ..... ۱۱۲

۱۱۸.....	۲-۲- آرای عمومی و هیأت وزیران.
۱۱۹.....	۳- آرای عمومی و قوه قضائیه.
۱۲۲.....	گفتار سوم: بحث تطبیقی.
۱۲۲.....	۱- رهبری.
۱۲۳.....	۲- ریاست جمهوری و وزراء.
۱۲۶.....	۳- مسئولین قوه قضائیه.
۱۲۸.....	مبحث سوم - امام و آرای عمومی در تعیین نظام سیاسی.
۱۲۹.....	گفتار اول - آرای عمومی هیچ نقشی در تعیین نظام.
۱۳۴.....	گفتار دوم - آرای عمومی تعیین کننده نظام سیاسی.
۱۳۸.....	گفتار سوم - آرای عمومی تعیین کننده شکل نظام سیاسی.
۱۴۳.....	نتیجه گیری.
۱۴۸.....	کتابنامه.
۱۴۸.....	الف: منابع فارسی.
۱۵۲.....	ب: منابع عربی.
۱۵۴.....	ج: مقالات و گزارشها و مصاحبه ها.



## خلاصه

برای شناخت هر چه بیشتر جوانب آرای عمومی در هر نظام سیاسی باید مبانی مکتبی و فلسفی آن نظام سیاسی را بررسی نمود. از آنجایی که نظام حاکم در ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان عصاره عینی و عملی اندیشه سیاسی امام (ره) نیز در مبانی، پیدایش، انتخاب و طرز اداره، تفاوت‌های اساسی با سایر حکومتها دارد در این رساله تلاش شده است تا به لحاظ حقوق اساسی جایگاه آرای عمومی از دیدگاه امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار گرفته و شناخته شود.

در پاسخ به این سؤال که آرای عمومی از دیدگاه امام (ره) در تصمیم‌سازیها از چه جایگاهی برخوردار است ابتدا در فصل اول در مبحث مفاهیم پس از ارائه تعریف آرای عمومی به تعریف بیعت و شورا به عنوان دو نماد اسلامی که بسیاری از صاحب‌نظران از مصادیق آرای عمومی برشمرده‌اند پرداخته شده است.

سپس در مبحث دوم پس از ارائه تاریخچه نقش آرای عمومی در تمدنهای پیشین شرقی مثل تمدنهای مصر و ایران و هند و چین به سابقه این امر در تمدنهای غربی مثل یونان و روم باستان اشاره گردیده است. آنگاه با نگاهی به جایگاه آرای عمومی در تمدن غرب در عصر جدید کوشیده‌ایم با ذکر مبانی دموکراسی غرب به عنوان بستر بروز آرای عمومی با حدود و ثغور آن در غرب آشنا شویم.

در ادامه به منظور آشنایی با تاریخچه آرای عمومی در اسلام و جایگاه آن از دیدگاه عالمان و اندیشمندان شیعه و سنی، نمونه‌هایی بررسی و ذکر شده است و در نهایت با مطالعه و بررسی آثار مکتوب و بیانات امام (ره) در فصل دوم که بحث اصلی تحقیق را تشکیل می‌دهد به نقش و جایگاه آرای عمومی در قانونگذاری، گزینش زمامداران و نیز تعیین نظام سیاسی و تغییر آن از دیدگاه امام خمینی (ره) پرداخته شده است.

نتیجه آنکه از لحاظ حقوقی آرای عمومی مشروط به رعایت چهارچوبه شریعت اسلام در کلیه عرصه‌های یاد شده، تعیین‌کننده و کارساز است. به عبارتی از سویی هیچ امری بدون آرای مردم قابل قبول و اجرا نمی‌باشد و از جهتی دیگر رأی و انتخاب اکثریت زمانی نافذ خواهد بود که یا رأی ولی امر منصوب من الله را به عنوان رأس هرم نظام اسلامی به همراه خود داشته باشد و یا با توجه به نظارت مستقیم یا غیرمستقیم ایشان در امور این انتخاب مأذون از جانب او باشد و خود این مقام نیز از بین فقهای واجدالشرايط که بولایت منصوب شده‌اند توسط نمایندگان مردم در خبرگان شناخته و انتخاب می‌شود.

## مقدمه

اینکه انسان‌ها بتوانند سرنوشت سیاسی خویش را رقم زده و با تصمیم و اراده جمعی چگونگی نظام سیاسی، زمامداران و همین‌طور مقررات حاکم بر جامعه خویش را تعیین کنند از اموری است که امروزه حداقل در شعار، در اکثر نظام‌های سیاسی حاکم بر دنیا، بویژه کشورهای غربی و دموکراتیک با قدری اختلاف پذیرفته شده و از لوازم زندگی اجتماعی و سیاسی هر جامعه محسوب می‌شود. به گونه‌ای که علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>(۱)</sup> و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی<sup>(۲)</sup> تقریباً هیچ قانون اساسی در دنیا یافت نمی‌شود مگر اینکه حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی مردم از طریق انتخابات را به عنوان یکی از حقوق اساسی و بنیادین مردم پذیرفته باشد. جریان این تصمیم‌گیری‌ها و اعلام نظرهای مردم را که در اصطلاح می‌توان (آرای عمومی) خواند مبتنی بر اصول و قواعد ناشی از جهان‌بینی هر جامعه و نظام سیاسی حاکم بر آن جامعه خواهد بود که به تبع حدود آرای عمومی نیز براساس همان اصول تعیین می‌شود. بنابراین برای شناخت هر چه بیشتر جوانب «آرای عمومی» در هر نظام سیاسی باید مبانی مکتبی، فلسفی، اجتماعی و حقوقی آن نظام سیاسی را بررسی نمود.

---

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ ماده ۲۱.

۲- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب دسامبر ۱۹۶۶ ماده ۲۵.

ما در این رساله به بررسی نقش آرای عمومی از دیدگاه امام و از منظر حقوق اساسی می‌پردازیم. از آنجا که نظام حاکم در ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان عصاره عینی و عملی اندیشه سیاسی امام در مبانی، پیدایش، انتخاب و طرز اداره حکومت با سایر حکومت‌های رایج جهان چه در حال حاضر و چه در گذشته تفاوت‌های اساسی دارد، لذا برای تشریح، تبیین و بررسی ابعاد مختلف آرای عمومی به ناچار می‌بایست به مبانی و سابقه تاریخی آن از منظر فقها و علماء اسلامی اعم از شیعه و سنی رجوع نمائیم و ببینیم که اصولاً در اندیشه سیاسی اسلام آراء عمومی چه نقش و جایگاهی داشته و دارد.

ضرورت بحث از موضوع یاد شده و ارتباط آن با «حقوق عمومی» در این است که به طور کلی تلاش و انجام تحقیقات برای آشنایی هر چه بیشتر با سیره عملی و آثار شخصیت‌هایی چون امام (ره) که به لحاظ علمی و عملی هم در زمان حیات و هم پس از آن منشأ آثار فراوانی بوده و هستند از دو حیث می‌تواند حائز اهمیت باشد، از نظر سیاسی بدان جهت که تنها با گذشت بیش از یک دهه از فقدان امام راحل (ره) شاهد هستیم که اندیشه سیاسی امام و بطور خاص دیدگاه ایشان در زمینه نقش «آرای عمومی» در معرض برداشت‌های مختلف و حتی متضادی قرار گرفته است.<sup>(۱)</sup> لذا لازم است تا با بررسی و تحقیق هر چه بیشتر حتی المقدور با نزدیک شدن به اندیشه ناب امام (ره)، آن را از پیرایه‌هایی که برخی به عمد یا خطا بر آن پوشانده‌اند پاک نمائیم.

از طرف دیگر به لحاظ حقوقی نیز «از آنجا که هدف تحقیق حقوق اساسی شناخت هر چه واقعی‌تر کارکرد نهادهای سیاسی است لذا نمی‌توان تنها به چند سند نوشته قانونی

---

۱- مراجعه شود به ولایت فقیه حکومت صالحان، صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله، رسا، چاپ اول، ۱۳۶۳ و ولایت فقیه: طاهری، حبیب‌الله، نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ و مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، کواکبیان مصطفی، عروج، چاپ اول، ۱۳۷۸.

یا پیرامونی بسنده کرد بلکه ناچار باید از روشهای علمی سایر رشته‌ها به منظور تکمیل شیوه خاص حقوقی نیز مدد جست.»<sup>(۱)</sup> مثلاً «تعمیق در قواعد قانونی ایجاب می‌کند که پژوهشگر روند شکل‌گیری قواعد را از زمان ولادت تا صورت‌بندی نهایی آن دنبال کند و معنی و مفهوم قاعده را در زمان و مکان برجسته‌تر سازد... استفاده از شیوه‌های مشاهده عینی و مستقیم، گفتگو با دست‌اندرکاران و عاملان تهیه و تنظیم، مراجعه به آثار و کتب منتشره توسط رجال و دست‌اندرکاران سیاسی، فحص و تحقیق و خلاصه کاربرد روشهای زمان‌شناختی و تاریخی برای دریافت قاعده در متن اجتماع خود مسلماً بر استنتاجات ما تأثیر خواهد گذارد.»<sup>(۲)</sup>

لذا آگاهی نسبت به دیدگاههای امام‌خمينی (ره) در مقایسه با سایر علما و دست‌اندرکاران انقلاب اسلامی و تهیه‌کنندگان قانون اساسی می‌تواند زمینه را برای درک و تفسیر هر چه بهتر این قانون برای مشتاقان مباحث حقوق عمومی و حقوق بشر فراهم سازد.

اهدافی که در این پایان‌نامه برای رسیدن به آن سعی و تلاش شده است، عبارتند از:

۱. تبیین و تشریح عقاید، نظرات و رأی حضرت امام خمینی (ره)، (به‌عنوان بنیانگذار اولین حکومت دینی به معنی اخص خود در عصر کنونی) در خصوص جایگاه و اهمیت آراء عمومی.

۲. بررسی تطبیقی آراء و عقاید علمای اسلام بویژه فقهای بزرگ امامیه و بعضی از کشورهای جهان در خصوص نقش آراء عمومی در سرنوشت جوامع، مردم و زمامداران.
۳. بررسی و تشریح نظرات و عملکرد حضرت امام (ع) در خصوص هماهنگی و

---

۱- دکتر قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۱۷.

۲- همان، ص ۱۱۸.

تطبیق آراء عمومی با احکام شریعت، بویژه نحوه عملی احکام شریعت توسط فقها بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران.

۴. آشنا شدن هر چه بیشتر با نظرات و سیره امام و نحوه و چگونگی برخورد معظم له با عقاید افراطی و تفریطی در مورد نقش آراء عمومی و لزوم وجود نهادهای نظارتی مؤثر بر اعمال این حق.

در نهایت با توجه به اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در واقع عصاره اندیشه سیاسی امام و حاصل جمع مباحث کلاسیک فقهی و واقعیات اجتماعی و تجربیات عملی امام و جمعی از مجتهدین، مراجع و حقوقدانان بوده، قطعاً در صورت پایبندی واقعی و به دور از شائبه‌های سیاسی به امام راحل (ره) و قانون اساسی جمهوری اسلامی، بدست آوردن جایگاه آرای عمومی به لحاظ عملی می‌تواند راهگشای بسیاری از کشمکشهای موجود در میان مسئولین و زمامداران در زمینه نقش آرای عمومی شود.

لذا در این راستا می‌بایست به سؤالات ذیل پاسخ دهیم که:

۱. حق چیست؟ منشأ آن کدام است؟

۲. حقوق اساسی چیست؟

۳. آراء عمومی به چه مفهومی است؟

۴. تفاوت آراء عمومی با افکار عمومی چیست؟. نظام جمهوری چه نوع نظامی

است؟

۶. جایگاه و نقش آراء عمومی در تمدن‌های باستان، غرب و اسلام چگونه است؟

۷. جایگاه و نقش آراء عمومی به لحاظ فقهی و حقوقی در قانونگذاری، گزینش

زمامداران، تغییر نظام از دیدگاه امام چگونه است؟

بر همین مبنا این پایان‌نامه شامل دو فصل می‌باشد:

فصل اول، شامل کلیات بوده و به دو مبحث تقسیم شده است، در مبحث نخست

به موضوعاتی چون مفهوم حق، مفهوم حقوق اساسی، تعریف آراء عمومی، تفاوت آراء عمومی با افکار عمومی، مفهوم جمهوری، تعریف بیعت، شورا و اوصاف آنان و مباحث تطبیقی پرداخته شده است.

در مبحث دوم نیز تاریخچه آراء عمومی در تمدن‌های مصر، ایران باستان و هند و چین و همچنین تاریخچه دموکراسی به عنوان بستر تحقق آراء عمومی پس از عصر جدید در غرب و تاریخچه آراء عمومی و مشارکت سیاسی در اسلام مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل دوم، موضوع اصلی بحث پایان‌نامه بوده که به طور مفصل راجع به بررسی جایگاه آراء عمومی از دیدگاه امام خمینی (ره) در حقوق اساسی می‌پردازد.

فصل دوم به سه مبحث تقسیم شده است: مبحث اول به بررسی جایگاه آراء عمومی از دیدگاه امام، آراء عمومی در قانونگذاری، قانون اساسی، قانون عادی و مقررات شوراهای محلی پرداخته و در مبحث دوم آراء عمومی در گزینش زمامداران اعم از ولی امر، ریاست جمهوری، هیئت دولت، نمایندگان مجلس و قوه قضائیه مورد بررسی قرار گرفته، و در مبحث آخر به نقش آراء عمومی در تعیین نظام سیاسی و تغییر آن پرداخته شده است.

بدیهی است مجموعه حاضر به عنوان نخستین پژوهش مفصل اینجانب به دلیل موانع و معاذیر مختلف همچون بضاعت ناچیز نگارنده، تازگی موضوع و محدود بودن مطالبی که قبلاً به طور منسجم نگارش یافته خالی از اشکال نبوده و از عیوب و نواقصی برخوردار است. مع الوصف سعی بلیغ شده است به دور از تکراری بودن مطالب و تا حد ممکن موضوعات مرتبط مورد بحث و بررسی قرار گیرد و کاری نسبتاً بدیع تهیه و تنظیم گردد.

# فصل اول

## کلیات



نقش کلمات، مفاهیم، واژه‌ها و اصطلاحات در موضوعات مورد بحث از اهمیت فراوانی برخوردار است، چه در صورت به کار بردن تعبیری که ربطی به موضوع مورد بحث نداشته یا با آن بیگانه باشد سبب انحراف از اهداف موضوع مطرح شده می‌گردد و نتیجه مطلوب را به ارمغان نمی‌آورد.

لذا برای تبیین و تشریح هر موضوعی به ناچار می‌بایست شناخت دقیق و کافی از مفاهیم و اصطلاحات کلیدی مورد بحث وجود داشته باشد. بر همین مبنا بررسی دقیق و استفاده از کتب مرجع برای شفاف سازی و ارائه دقیق موضوعات مختلف در بحث امری لازم و ضروری است به علاوه قبل از هر چیز مسائلی را که می‌تواند راهگشای ما در ورود به مبحث اصلی تحقیق و مدخل آن قرارگیرد مثل تاریخچه و مبانی مورد توجه قرار داده و آنها را طی دو مبحث مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## مبحث اول - مفاهیم

در این مبحث خواهیم کوشید تا اندازه‌ای با مفاهیم واژگانی که در این گزارش و تحقیق با آنها بیشتر سروکار داشته و به اصطلاح کلیدواژه‌های مباحث ما را تشکیل می‌دهند آشنا شویم.

## گفتار یکم - مفهوم واژه‌ها و اصطلاحات حقوقی متداول

### ۱- مفهوم آرای عمومی<sup>(۱)</sup>

#### ۱-۱ - مفهوم رأی

رأی را به لحاظ لغوی اینگونه تعریف کرده‌اند «رأی کلمه‌ای است عربی که به معنای نظر و تفکر در مبادی و عواقب امور می‌آید»<sup>(۲)</sup> در فارسی نیز در بیان معنای رأی گفته شده است «رأی اندیشه، فکر، تدبیر، عقیده و حدس، شور و مشورت، قصد عزم و جولان خاطر در مقدماتی که امید می‌رود به نتیجه ختم گردد و نیز نظر حاکم درباره مدعی و مدعی علیه آمده است.»<sup>(۳)</sup> «در موردی که خردمندان اختلاف می‌کنند و اوضاع و احوال قضیه در هم باشد و آنگاه انسان به اندیشه خود وجه صواب را دریابد»<sup>(۴)</sup> ولیکن به لحاظ سیاسی و حقوقی گفته شده است: «عملی تشریفاتی و حقوقی که شهروندان با انجام آن طبق ضوابط و شرایط قانونی، به گزینش نماینده یا نمایندگان خود می‌پردازند رأی می‌نامند رأی دهنده ضمن این عمل حقوقی، سیاسی در حقیقت با برگزیدن نماینده یا نمایندگان در اداره امور سیاسی جامعه خود مشارکت می‌کند.»<sup>(۵)</sup>

به نظر می‌رسد تعریف ارائه شده اخیر از رأی، جامع نبوده زیرا مشمول رأی در چارچوب همه‌پرسی نمی‌باشد. لذا بهتر است گفته شود: رأی عملی تشریفاتی و حقوقی است که شهروندان با انجام آن طبق ضوابط و شرایطی قانونی به گزینش نماینده یا

#### 1- Popular votes.

۲- طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع‌البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، ج ۱، ص ۷۱، دفتر نشر فرهنگی اسلام، ۱۳۶۷ ه.ش.

۳- دکتر معین، محمد، فرهنگ معین، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۱۸۲.

۴- دکتر جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اسلام، گنج دانش، ص ۱۷۴.

۵- دکتر قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل، پیشین، ص ۶۸۵.

نمایندگان و قبول یا رد پیشنهادهای طرح و لوایحی که مربوط به مسائل ملی جامعه خود مانند تغییر شکل و محتوای قاعده‌ای از قوانین عادی یا اساسی می‌پردازند.

## ۱-۲- مفهوم عمومی<sup>(۱)</sup>

مفهوم عموم یا مردم، در حوزه سیاسی و حقوق سیاسی تا همین اواخر از جمله مفاهیم مورد مناقشه در همه نظام‌های مردم‌سالار در غرب بوده است که آیا منظور از آرای عمومی، آرای همه مردم است یا خیر؟ از این‌رو ما از یونان باستان تا کنون شاهد محدودیت‌های گوناگونی در اعمال این حق بوده هستیم؛ چنانچه در یونان نه بردگان حق رأی داشتند و نه مهاجران، کما اینکه در دوره جدید ملاحظه می‌کنیم که «در آغاز نهضت تدوین قانون اساسی... تنظیم‌کنندگان قوانین و حتی رهبران انقلابی علی‌الاصول با سپردن بی‌محابا، سرنوشت حکومت بدست عوام‌الناس چندان موافقت نشان نمی‌دادند. بنابر تعبیر موریس دوروژ جلودگیری از انتخابات همگان، توسط بورژوازی صورت گرفت... اهم این شرایط... شرط مالیاتی، یعنی منحصر کردن حق رأی به آنانی است که میزان مالیات مستقیم به نام مالیات انتخاباتی می‌پرداختند که هنوز آثاری از آن در برخی قوانین مانند بعضی از ایالات آمریکای شمالی به چشم می‌خورد. یک نمونه دیگر محدودیت‌های جنسی است که سالها به خاطر فرهنگ مردسالاری حق رأی در انحصار مردان قرار داشت. حتی کشور سوئیس تا سال ۱۹۵۴ طی فرایندی که از مردان راجع به حق رأی زنان پرسش به عمل آمد، اکثر مردان مخالفت کردند، هر چند بعدها به این امر تن در دادند. علاوه بر اینها محدودیت‌های دیگری مانند محدودیت‌های نژادی سابقه داشته و دارد، مثلاً در آلمان هیتلری یهودیان از حق رأی محروم بودند و در پاره‌ای از ایالات جنوبی آمریکا مقرراتی وجود

---

1- popular - public.

داشت که سیاهان را از اعمال حق انتخابات جلو می‌گرفت.»<sup>(۱)</sup>

و اما اگر بخواهیم نظراسلام را به طور اجمال در این مورد بررسی کنیم، به نظر می‌رسد از دیدگاه اسلام تمام کسانی که در جامعه اسلامی در حیطه و حوزه مسائل اجتماعی سیاسی می‌توانند طرف تکلیف قرار گیرند، بی‌استثناء بتوانند از حق رأی بهره‌مند شوند. زیرا هر مسلمان به مجرد ورود به سن تکلیف شرعی از این حیث که مسئول سرنوشت اجتماعی خود و جامعه اسلامی خویش قرار می‌گیرد «من اصبح ولایه‌تم بامور المسلمین فلیس بمسلم»<sup>(۲)</sup> باید این حق و اختیار را داشته باشد که بتواند این مسئولیت خود را بانجام برساند و این مهم در عرصه سیاسی و اجتماعی جز به داشتن حق رأی و حق انتخاب سرنوشت میسر نمی‌باشد. لذا قاعدتاً همه افراد جامعه اسلامی حق رأی و تعیین سرنوشت دارند مگر با دلیل دیگری، کس یا کسانی از این حق محروم شوند، از اینرو بنظر می‌رسد هیچگونه تبعیض نژادی یا جنسی و امثالهم در این امر راه نداشته باشد، چنانچه در طول حکومت پیامبر (ص) هیچ زن و مرد مسلمانی از مشارکت در تعیین سرنوشت خویش، به خاطر جنسیت<sup>(۳)</sup> یا نژاد محروم نشده است.

در نهایت در تعریف آراء همگانی و عمومی می‌توان گفت که «از لحاظ حقوقی به انتخاباتی گفته می‌شود که حق رأی بدون شرط محدودکننده مالیاتی یا شایستگی (سواد خواندن و نوشتن) یا جنسی و یا نژادی متعلق به همه شهروندان باشد. البته... کنارگذاشتن برخی از افراد اگر در جهت مصلحت عام و بدون اغراض سیاسی صورت گیرد. براساس

---

۱- دکتر قاضی، ابوالفضل، پیشین، ص ۶۸۷ به بعد.

۲- شیخ کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، به نقل از امام صادق (ع) و رسول الله (ص) دفتر نشر فرهنگ اهل البيت، ج ۳، ص ۲۳۸.

۳- بیعت زنان با نبی اکرم نمونه بارزی از مشارکت زنان در تعیین سرنوشت آنها می‌باشد.